

تأثیر تشویق و تنبیه بر اصلاح و تغییر رفتار دانش آموزان

پروین قنبرلو^۱

^۱ دبیر آموزش و پرورش استان زنجان

چکیده

پژوهش حاضر، کوششی است که در آن برآنیم تا با نگاهی به منابع اسلامی، جایگاه تشویق و تنبیه را بیابیم. در این پژوهش که به صورت کتابخانه ای و مروری می باشد ما به بررسی تشویق و تنبیه از دیدگاه اسلام در لغت، اصطلاح، قرآن، نهج البلاغه، انواع تشویق و مراتب تنبیه پرداخته ایم و سعی کرده ایم آن را تا حد توان بررسی کنیم. پس از جمع آوری، تجزیه و تحلیل و تفسیر نتایج حاصل شده از جمله اینکه تشویق و تنبیه دو روش فوق العاده مهمی هستند که می توانند در اصلاح و تغییر رفتار دانش آموز و هدایت دانش آموز به هدف نهایی یعنی کمال کمک کنند و ما باید آن را به شکل صحیحی اجرا کنیم تا این فرآیند تشویق و تنبیه که در بالا به اهمیت آن اشاره شد بیشترین تأثیر خود را در دانش آموز برای رسیدن به هدف نهایی بگذارد. البته در تربیت دانش آموز، اصل بر تشویق و تنبیه است نه مجازات. تنبیه باید کاملاً سنجیده، حساب شده و دقیق باشد و به هیچ وجه از حد و مرز لازم فراتر نرود. زیرا عملی طبیبانه است و هرگونه نسنجیدگی و بی دقتی در آن فاجعه آور است و اثرات منفی به همراه دارد.

واژه های کلیدی: تشویق، تنبیه، دیدگاه اسلام، تغییر رفتار دانش آموزان.

مقدمه

انسان موجودی متفاوت از تمام موجودات می باشد و از امتیازاتی برخوردار است که مختص اوست. انسان موجودی است که استعدادهای رسیدن به کمال در درون او گذاشته شده است. استعدادهایی که در اثر تعلیم و تربیت صحیح شکوفا شده و یا در اثر رها شدن یا تربیت نا صحیح به تباهی کشیده می شود؛ و چون انسان آفریده شده تا به کمال برسد لذا تربیت از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ بنابراین باید راه تربیت صحیح انسان را شناخت تا در اثر آن انسان از انحرافات باز داشته شود و به فعلیت کمال انسانی برسد. در تعلیم و تربیت، امر تشویق و تنبیه یا پاداش و کیفر به عنوان یکی از عوامل و محرک های مهم تلقی می شود. البته عوامل بسیار زیادی وجود دارند که رفتار دانش آموز را تحت تأثیر قرار می دهند، اما در برخی شیوه ها، ایجاد تأثیر و تغییر به طور عمد به کار می رود. از شناخته شده ترین آن ها فرآیند تنبیه و تشویق است که دانش آموز را در مسیر صحیح قرار می دهد. تشویق و تنبیه از اصولی است که به منظور اجرای مدیریت صحیح و مؤثر نیز اجرا می شود. در مکتب تربیتی امام علی (علیه السلام) هم، نمونه های مختلف تشویق و تنبیه به چشم می خورد که نمایانگر ضرورت تشویق و تنبیه در نگاه آن حضرت است. آن حضرت ضمن رعایت اصل تقدم تشویق بر تنبیه، همواره مردم و یا کار گزاران را با در نظر داشتن نکات دقیق تربیتی، مورد تشویق یا تنبیه قرار می دهند. در واقع می توان گفت که در استفاده از این دو روش، حساسیت فوق العاده ای باید وجود داشته باشد؛ زیرا ساختار روانی و عاطفی دانش آموز طوری است که اگر در ازای فعالیت به او پاداش دهند آن نوع فعالیت برایش خوشایند می شود و اگر پس از انجام کاری تنبیه شود از آن کار نفرت می یابد و تکرارش برای او خاطره ای آزار دهنده دارد. پس این دو عامل یعنی پاداش و کیفر، در اصلاح و تغییر رفتار دانش آموز یا رعایت آداب و شرایط بسیار موثر است. در این مقاله سعی شده است که تشویق و تنبیه و تاثیر آن بر تغییر رفتار دانش آموز تا آنجا که میسر باشد مورد بررسی قرار داده شود.

روش تحقیق

مقاله و پژوهش پیش رو بر اساس تحقیقات کتابخانه ای نوشته شده است که جامعه ما کتب و مقاله های منبع و معتبر مرتبط با این موضوع می باشد. در این پژوهش به معنای لغوی تشویق و تنبیه و سپس به اهمیت هر کدام پرداخته شده است و سپس در مورد انواع تشویق و تنبیه و اولویت هر کدام بحث شده است و در آخر نتیجه گیری در مورد تشویق و تنبیه و اولویت و ضرورت آنها برای تعلیم و تربیت دانش آموزان صورت گرفته است.

تعریف واژه ی تشویق و تنبیه

تشویق در لغت: تشویق، واژه ای عربی از باب «تفعیل» و ماده ی «شوق» است در لغت عرب چنین آمده است: الشوق: نزاع النفسِ إلى الشیء. کشاندن نفس آدمی به سوی امری. (دولتی، ۱۳۷۷). هم چنین آمده است: تشویق به معنای آرزومند کردن، به شوق افکندن و راغب ساختن است. (معین، ۱۳۵۰).

تشویق در اصطلاح

تشویق را در اصطلاح می توان هرگونه رفتار یا عملی دانست که کسی برای خوشایند دیگری انجام می دهد به بیان دیگر تشویق گونه ای پاداش و به کار بردن عامل یا عواملی است که افراد را به نیکوکاری وادارد. تشویق برای ارایه ی محبت صورت می گیرد و نشانه ی اعلام رضایت و پذیرش رفتار دیگری است. (دولتی، ۱۳۷۷)

تنبیه در لغت : تنبیه، واژه‌ای عربی است از باب «تفعیل» و ماده‌ی «نَبَه» که در لغت عرب آن را چنین معنا کرده‌اند : القیام و الانتباه من النوم، انتبه من نومه، اِسِیْفُظ و التنبیه مثله. برخاستن و بیدار شدن از خواب غفلت. همچنین آمده است : تنبیه به معنای بیدار کردن و هوشیار ساختن ، آگاه ساختن ، گوشمال دادن ، و مجازات کردن است . (معین، ۱۳۵۰)

تنبیه در اصطلاح : تنبیه در اصطلاح ارائه ی یک محرک آزارنده بعد از یک رفتار نا مطلوب ؛ به منظور کاهش دادن آن رفتار . به عنوان مثال بعد از انجام رفتاری ناپذیر از سوی کودک ، مثل گفتن یک حرف زشت ، با ارائه ی یک محرک آزارنده به دنبال رفتار او ، مثل سیلی زدن به او بخواهیم احتمال رفتار نامطلوب (حرف زشت) را در او کاهش دهیم . (سیف، ۱۳۹۱)

اهمیت تشویق : تشویق درست و بجا عاملی موثر و سازنده در تربیت افراد است که می تواند انگیزه کافی و لازم را ایجاد نماید تا بتوانند به توانایی ها و ارزش های خود پی ببرند ، و موجبات رشد عقلی و ایمانی آنان را فراهم نموده ، باعث تقویت رفتار های مطلوب گردد. مثلا اگر کودکی که در حد توان خود به نماز روی آورده است مورد تشویق قرار گیرد ، کودک فرصت می یابد تا خود را باور کند ، در نتیجه این باور ، تصور مثبت ، موفق و ارزنده ای از خود در ذهنش ایجاد می شود که باعث تداوم عمل می شود . در واقع تشویق به منزله ی منبع انرژی و موتور محرکه در انسان عمل می کند و همه ی انسان ها در تمام سطوح و در طول عمر خود بدان نیازمند و از آن تاثیر می پذیرند . (قائمی، ۱۳۷۷)

اهمیت تنبیه : تنبیه و تردید به عنوان یک عامل بازدارنده می تواند کودک را از ارتکاب کارهای زشت باز دارد . انسان همواره در معرض لغزش ها و انحرافات و گناهان است و این نفس سرکش بسیار به بدی امر می کند . امام علی (ع) می فرماید : لَأَمَارَةٌ بِالسُّوءِ فَمَنْ أَهْمَلَهَا جَمَحَتْ بِهِ إِلَى الْمَأْثَمِ ، « همانا این نفس به بدی و گناه فرمان می دهد ، پس هر که آن را واگذارد او را به سوی گناهان می کشاند » (امینی، ۱۳۷۸). به این خاطر است که بزرگان همواره در دعاهای خود از خدا مدد می طلبند و می گویند : إلهی لا تَكِلْنی إلهی نَفْسِی طَرَفَةً عَیْنِ أَبَدًا « خدایا هیچگاه به اندازه ی یک چشم به هم زدن مرا به حال خودمگذار » (باباپور، ۱۳۷۹) . چنانچه مسلم است کار های اشتباه و خلاف ، تنبلی ها ، سستی ها و مانع رسیدن ، یکی از آخرین عوامل خارجی برای بازداشتن انسان از این موانع و مهار این نفس طغیانگر ، تنبیه یا کیفر است ، که می تواند روشی مناسب برای بیدار کردن و هدایت انسان به سعادت حقیقی اش باشد .

تشویق از دیدگاه اسلام:

تشویق در قرآن : در تربیت اسلامی اصل تشویق و تنبیه به عنوان امری مسلم مورد توجه قرار گرفته است . قرآن به عنوان مهمترین کتاب هدایت و تربیت انسان ها از بهشت و جهنم ، پاداش و کیفر اعمال ، وعده و وعیده های شوق انگیز و خوفناک به عنوان جلوه هایی از تشویق و تنبیه برای هدایت انسان ها استفاده کرده است . از مجموع آیات مربوط به دو عامل تشویق و تنبیه ، حدود ۳۰۰ آیه به مساله ی تشویق و ۶۰۰ آیه به مساله ی تنبیه مربوط می شود . (نادری، ۱۳۷۷) در اینجا این آیات را دسته بندی کرده و برای هر کدام مثالی را می آوریم :

۱- پاداش و تشویق؛ ابزار تأثیرگذار

خداوند می‌فرماید:

« آمِنُوا بِاللّٰهِ وَ رَسُوْلِهِ وَ اَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُّسْتَخْلَفِيْنَ فِيْهِ فَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَ اَنْفَقُوْا لَهُمْ اَجْرٌ كَبِيْرٌ. » (حدید، ۷)

" به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آن چه خداوند، شما را در آن جانشین قرار داده است انفاق کنید. پس کسانی از شما که ایمان آورند و انفاق کنند، برای ایشان پاداش بزرگی است. "

این آیهی شریفه برای نفوذ در قلب مسلمانان از پاداش بهره می گیرد و می فرماید کسانی که از دستور الهی، پیروی کنند و رفتار مطلوب و مورد نظر خدا را انجام دهند از پاداش بزرگ الهی بهره مند خواهند شد.

۲- پاداش؛ مادی و غیرمادی

الف - خداوند در این آیه، به پاداش مادی اشاره کرده است:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» . (بقره، ۸۲)

" و کسانی که ایمان آورند و کردار نیک و شایسته انجام دهند، ایشان اصحاب بهشت اند و در آن جاودانه خواهند بود. "

ب - در این آیهی شریفه، دوستی الهی، پاداش پیروی از فرمان خداوند شمرده شده است:

«وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» . (بقره، ۱۹۵)

" و در راه خدا (از مال خود) انفاق کنید و با دست خود، خویشتن را در هلاکت میافکنید و نیکی کنید. همانا خداوند نیکوکاران را دوست دارد. "

۳- همراه بودن پاداش و تنبیه

خداوند در قرآن فرموده است:

«بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» . (بقره، ۸۱-۸۲)

" آری، هر کس کردار زشت بیاندوخت و کردار بد بر او چیره شد ، هر که باشد، اهل دوزخ است و در آن آتش ، پیوسته ماندگار خواهد بود و کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک و شایسته کردند، اهل بهشت اند و پیوسته در بهشت، جاوید خواهند ماند. "

پیامبران برای رسیدن به اهداف مورد نظر خود و نفوذ در میان افراد ، از دو ابزار پاداش (بشارت) و تنبیه (انذار) بهره می گیرند . این دو ویژگی (به صیغه ی بشیر و نذیر یا مبشر و منذر) ۵۸ بار در قرآن تکرار شده است که در ۱۶ مورد در کنار یکدیگر آمده است . به دو نمونه از آن در زیر اشاره کرده ایم .

«فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَ نَذِيرٌ» (مائده، ۱۹)

«إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَ بَشِيرٌ» (هود، ۲)

۴- نادیده گرفتن پیشینه ی نامطلوب؛ پاداش خطاکاران برای انجام رفتار مطلوب

خداوند در آیاتی از قرآن می فرماید :

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَ يُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمَا » (احزاب، ۷۰-۷۱)

" ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از خدا پروا داشته باشید، به شمار (قدرت) شناخت حق و باطل را می دهد و کردار بدتان را می زداید و شما را می آمرزد و خداوند دارنده ی فضل و بخشش بزرگ است. "

این آیه، کمک های فکری مدیر و چشم پوشی از کردار بدکارمندان را به عنوان یک پاداش بیان کرده است.

۵- مراتب گوناگون پاداش

در قرآن آمده است:

«وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَ مَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ» (انعام، ۱۳۲)

" و هر کس از بندگان به کرداری که کرده است (نزد خداوند) رتبه خواهد یافت و خدا از کردارهیچ کس غافل نخواهد بود."

تنبیه از دیدگاه اسلام :

الف) تنبیه در قرآن : آیات زیادی در قرآن وجود دارد که به مجازات سرپیچی کنندگان از احکام الهی در میان اقوام گذشته ، به آیندگان هشدار می دهد که اگر به آموزه های پیامبران الهی توجهی نداشته باشند ، به عذاب و مجازات دنیوی یا اخروی یا هردو گرفتار خواهند شد . اینک ما آیاتی را که به تنبیه مربوط می شوند را به چند قسمت تقسیم بندی می کنیم و برای هر یک نمونه ای را می آوریم :

۱) تنبیه؛ عامل تأثیرگذار

در قرآن آمده است:

« وَ لَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ » (یونس، ۱۳)

" و ما اقوام و ملت های پیش از شما را آن گاه که ستم کردند و پیامبرانشان با دلایل روشن نزد آنان رفتند و ایمان نیاوردند. هلاک کردیم. این گونه تبه کاران را کیفر می دهیم."

خداوند، کسانی را که در برابر دلایل روشن و آشکار پیامبران الهی تسلیم نمی شوند و ایمان نمی آورند، تهدید می کند و به آنان هشدار می دهد که آنان را تنبیه خواهد کرد. خداوند با این روش می کوشد آنان را به انجام رفتار مطلوب (ایمان آوردن به خدا) وادار سازد.

۲) تنبیه برای همه ی خطاکاران

در آیه ای از قرآن آمده است :

« وَ لَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقْوَالِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ » (الحاقه، ۴۳-۴۷)

" و اگر پیامبر گفته هایی را که از ما نیست، به ما نسبت دهد، ما با دست راست او را می گیریم (کنایه از شدت است) و سپس رگ گردنش را می بریم. و هیچ یک از شما نمی تواند ما را از این کار باز دارد ."

مخاطب این آیه ، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. در این گونه آیات، دو احتمال وجود دارد. احتمال نخست آن است که واقعا خطاب اصلی شخص پیامبر باشد. در این صورت آیه را باید این گونه معنا کرد که مجموعه ی خدا و پیامبران و مردم همانند یک مجموعه و سازمان هستند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از خداوند در عالی ترین جایگاه این مجموعه قرار دارد. این آیات می فرماید حتی اگر همین شخص (پیامبر) در انجام مأموریت الهی و وظیفه ی خویش خطا کند، به شدت تنبیه می شود. روشن است که اگر دیگران نیز خطا کنند، تنبیه خواهند شد و هیچ گونه تبعیضی وجود نخواهد داشت. احتمال دیگر این است که این آیه مصداق این ضرب المثل باشد که [به در می گوید تا دیوار بشنود] . به دیگر سخن، به مردم هشدار می دهد که اگر بر فرض محال، شخصی مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز خطایی مرتکب شود، تنبیه و مجازات خواهد شد.

۳) رحمت و بخشش پیش و پس از تنبیه

خداوند به پیامبر می فرماید :

« نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَ أَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ » (حجر، ۴۹-۵۰)

"بندگانم را آگاه کن که من بخشنده و مهربانم و عذابم دردناک است." نخستین راه کار خداوند در رفتار با بنده، رحمت و مغفرت است، ولی اگر بنده به سرپیچی از قوانین و مقررات ادامه دهد، باید بداند که از عذاب دردناک الهی در امان نخواهد ماند.

۴) ضرورت تنبیه برای خطای بخشش ناپذیر

در قرآن آمده است:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا» (نساء، ۱۱۶)

"همانا اگر به خداوند شرک ورزند، آن را نمی بخشد و هر گناهی که پایین تر از این باشد، برای هر کس که بخواهد، می بخشد و هر کس به خدا شرک ورزد در گمراهی آشکاری است."

۵) مرحله ای بودن اجرای تنبیه

در قرآن آمده است:

«الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ» (نحل، ۸۸)

"کسانی که کفر ورزیدند و مانع راه خدا شدند، عذاب شان را از عذاب دیگران بیشتر می کنیم، زیرا فساد می کنند." درجه ای از عذاب و تنبیه برای کسانی است که کافرنند، کسانی که هم خودشان کافرند و هم در راه هدایت دیگران، مانع آفرینی می کنند، به مرتبه ی شدیدتر و بالاتری از تنبیه دچار می شوند.

۶) تنبیه متخلفان، مایه ی تشویق افراد پای بند به مقررات

قرآن درباره ی متخلفان فرموده است:

«قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِيهِمْ وَيُنْصِرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ» (توبه، ۱۴)

"آنان را بکشید خداوند به دست شما، آنان را عذاب می کند و خوار می گرداند و شما را در برابر آنان یاری می کند و قلب های مؤمنان را شفا می دهد."

در این آیه، تنبیه کافران و مشرکان و خوار ساختن آنان، مایه ی آرامش قلب های مؤمنان شمرده است.

ب) تنبیه از دیدگاه صاحب نظران مسلمان: تعلیم و تربیت صحیح و پویا از آغاز ظهور اسلام سرلوحه تعلیم اسلام بوده است و صاحب نظران مسلمان، به سبب آشنایی با معارف اسلام، به تعلیم و تربیت توجه ویژه ای داشته و در عرصه نظریه پردازی و اجرای اصول تعلیم و تربیت، از ابزارهای مختلفی بهره برده اند. یکی از این ابزارها که جایگاه خاصی در بین صاحب نظران مسلمان دارد، تشویق و تنبیه است. صاحب نظران تعلیم و تربیت اسلام، اصل را بر تشویق قرار داده اند و در صورتی که راه های تشویقی مؤثر واقع نشد، تنبیه را به عنوان یک ابزار کارآمد در عرصه آموزش و پرورش توصیه می کنند. در اینجا به بررسی این موضوع از دیدگاه صاحب نظران مسلمان در زمینه تعلیم و تربیت می پردازیم.

۱) ابن سحنون: او می گوید: «تنبیه کردن شیوه ای برای بهبود آموزش و تربیت است. تنبیه، کیفر در برابر گناه و کار زشت تلقی نمی شود و متری جزء گنه کارانی نیست که باید حتما مجازات شود، بلکه تنبیه یک روش تربیتی است که معلم وظیفه دارد برای یادگیری بهتر دانش آموزان و تربیت صحیح و یا جلوگیری از آزار رساندن آنان به یکدیگر به کار گیرد، و این در صورتی است که تنبیه در این امور مفید و مؤثر افتد. در غیر این صورت، معلم مجاز نیست دانش آموزان را تنبیه کند. (فتحعلی و همکاران، ۱۳۷۷)

۲) ابونصر فارابی: ابونصر فارابی از بزرگ ترین فیلسوفان مسلمان است. او در زمینه تعلیم و تربیت و روش های قابل استفاده در این قلمرو می گوید: لذات و آلام حاصل از افعال، نقش مهمی در برانگیختن افراد به سوی انجام آنها دارند.

همین امر موجب می شود که برای بازداشتن افراد از انجام افعال قبیح در برابر لذت حاصل از آن فعل، رنجی (تنبیه) را پدید آوریم که از آن لذت افزون باشد. این مطلب، آموزش رفتارهای مناسب و بازدارندگی از افعال قبیح را نشان می دهد. (فارابی، ۱۳۷۱)

۳) ابن سینا : ابن سینا تشویق و تنبیه را به عنوان ابزار تربیت برای والدین و مربیان بیان نموده، و معتقد است: تنبیه ضمانت اجرایی برای منع از رذایل اخلاقی و عادات ناپسند است. مربی باید با عکس العمل مناسب در مقابل رفتار کودک از نظر کمی و کیفی به گونه ای عمل کند که کودک نسبت به رفتار نامناسب خود متنبه شود. مثلاً در مقابل رفتار ناپسند او، ابتدا روگردانی، سپس ترش رویی و پس از آن ترساندن و آن گاه توبیخ کند. (بهشتی و همکاران، ۱۳۷۷). ابن سینا تنبیه بدنی را در صورت لزوم جایز می شمارد و برای اجرای آن شرایطی را ذکر می کند: الف) اولین تنبیه بدنی باید سخت و دردآور باشد، به گونه ای که کودک به شدت از آینده رفتار ناپسند خود بترسد و متوجه باشد چنانچه آن را تکرار کند، تنبیه دردآوری در انتظار اوست.

ب) تنبیه بدنی باید پس از ترساندن شدید صورت گیرد. کودک باید به نتیجه رفتار ناپسند توجه داشته باشد. ج) قبل از تنبیه باید کسی به عنوان میانجی و شفیع مشخص شود تا با وساطت او کودک از تنبیه بی مورد حفظ شود. (بهشتی و همکاران، ۱۳۷۷)

۴) خواجه نصیرالدین طوسی : خواجه نصیرالدین، با الهام از آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام تعلیم و تربیت فرزند را بر والدین و مربیان فرض دانسته و بر اجباری بودن آموزش تأکید دارد. او می گوید: اگر کسی از کودک رفتار ناپسند مشاهده نمود، ابتدا با تعامل با آن برخورد نماید و اگر آن عمل را تکرار کرد، در نهان او را سرزنش نماید و از انجام دوباره او را برحذر دارد و اگر روش های تنبیهی آسان تر مؤثر واقع نشد می توان با تنبیه بدنی او را اصلاح کرد. البته باید تنبیه بدنی در عین دردآور بودن، اندک و بی ضرر باشد. (طوسی، ۱۳۸۶)

از دیدگاه صاحب نظران مسلمان، تنبیه بدنی به عنوان یک ابزار بازدارنده و کنترل کننده رفتار ناپسند می تواند کارکرد مؤثری داشته باشد.

تشویق و تنبیه در نهج البلاغه :

اهمیت نهج البلاغه به عنوان یکی از منابع معتبر بر همگان آشکار است و کلمات مولا علی (علیه السلام)، که در هر زمینه ای چون گوهر گران بها بر تارک معارف عالیه اسلام می درخشد، به کارگیری شیوهی تشویق و تنبیه را به عنوان سیره ای آن حضرت در تربیت و هدایت مردم نشان می دهد. آن حضرت، درباره ی نقش پاداش و کیفر الهی در تربیت آدمی فرموده اند: **إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَضَعَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ وَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ ذِيَادَةً** (سوره نجم، ۳۱) **لِعِبَادِهِ عَنْ نِقْمَتِهِ وَ حِيَاشَةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ**. همانا خداوند پاداش را بر اطاعت، و کیفر را بر نافرمانی قرار داد تا بندگان را از عذابش برهاند و به سوی بهشت کشاند (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم). و در مورد بکارگیری شیوهی تشویق و تنبیه خطاب به مالک اشتر چنین می فرماید: ای پسر حارث در عملیات کارکنان حکومت خود نیک بازرسی و دقت کن. آن که با فداکاری انجام وظیفه می نماید باید قولاً و عملاً تشویق شود؛ حتی کوچک ترین اقدام ستوده اش را هم نباید نادیده انگاشت و در مقابل از بدکاران نیز لازم است مطابق مقررات اسلام انتقام کشی و کیفر جویی. نمونه های تشویق و ترغیب یاران و کارگزاران، و یا تنبیه آنان در نهج البلاغه فراوان است که از مجموع

آن‌ها بر می‌آید که روش تشویق و تنبیه ، به طور جدی مورد توجه آن حضرت بوده است . که حال به نمونه هایی از تشویق و تنبیه در نهج البلاغه اشاره می‌کنیم.

نمونه هایی از تشویق و تنبیه در نهج البلاغه :

(۱) حضرت در نامه‌ی معروف خود به مالک اشتر ، تشویق را عامل تحریک برمی‌شمارند :
 « وَ وَاَصِلْ فِي حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ وَ تَعْدِيدِ مَا اَبْلَى ذُووُ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ اَفْعَالِهِمْ تَهْزُ الشُّجَاعَ وَ تُحَرِّضُ التَّائِثِلَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ » . " و همواره از آنان (به عنوان تشویق) ستایش کن و کارهای مهمی که انجام داده‌اند بر شمار، زیرا یادآوری کارهای ارزشمند آنان، شجاعان را (به سمت تلاش بیشتر) بر می‌انگیزاند، و ترسوها را به تلاش وادار می‌دارد "، إِنْ شَاءَ اللَّهُ (دستی، ۱۳۷۹)

(۲) حضرت، فرماندار مدائن (سعد بن مسعود) را که به نیکی انجام وظیفه کرده بود این گونه می‌ستایند و مورد محبت قرار می‌دهند : تو به شیوه‌ی مردان پرهیزکار و نجیب و نیکوکار در تأمین منابع مالی دولت اسلامی کوشیده‌ای و از پروردگارت اطاعت نموده و امام خود را خشنود ساختی . پس خدا گناهانت را بخشیده و تلاشت را قبول و عاقبت تو را به خیر ختم نماید. نیز درباره‌ی یکی دیگر از فرمانداران می‌فرماید : تو به خوبی فرمانروایی کرده‌ای و امانت را به جای آورده‌ای، پس بی آن که مورد کمترین بدگمانی و ملامتی باشی ، یا اتهام گناهی درباره تو مطرح باشد ، به سوی ما بیا (معادی خواه، ۱۳۷۲) . و یا به یکی دیگر از فرمانداران می‌نویسند : فَإِنَّكَ مِمَّنْ أَسْتَظْهَرُ بِهِ عَلَى إِقَامَةِ الدِّينِ وَ أَقْمَعُ بِهِ نَحْوَةَ الْأَثِيمِ وَ أَسَدُّ بِهِ لِهَآءِ الثَّغْرِ الْمَخُوفِ . همانا از تو کسانی هستی که در یاری دین از آن‌ها کمک می‌گیرم ، و سرکشی و غرور گناهکاران را درهم می‌گویم ، و مرزهای کشور اسلامی را که در تهدید دشمن قرار دارند حفظ می‌کنم. حضرت از مردم کوفه به دلیل فداکاری آن‌ها در جنگ جمل قدردانی کرد . یاد شهدای بصره و کارگزاران شهیدش را گرامی داشت و از صفات و برجستگی‌های نیکوی آن‌ها یاد می‌کرد (الموسوی، ۱۳۸۵) .

تقدم تشویق بر تنبیه : هر چند تنبیه و تهدید به عنوان عامل بازدارنده ممکن است کودک را از ارتکاب کارهای زشت بازدارد، ولی معمولاً انگیزه‌های درونی او را تغییر نمی‌دهد و به اصلاح درون و تغییر در رفتار نمی‌انجامد. برای نمونه، کودکی که از ترس تنبیه پدر و مادر، دست به کاری نمی‌زند، ممکن است آن کار را در نهان انجام دهد. افزون بر آن ممکن است کودک به دلیل ترس از تنبیه، دست به کار خلاف نزند، ولی به انجام رفتار مطلوب نیز تحریک نشود. شاید کودک از راه مجازات یاد بگیرد که پرخاش‌گری خود را کنترل کند ولی دوستانه رفتار کردن را با مجازات یاد نمی‌گیرد. به همین دلیل، ریشه‌های رفتار نامطلوب در او باقی می‌ماند و راه درست رفتار کردن را نمی‌آموزد. در مقابل، نقش تشویق چنین نیست. تشویق، رغبت‌های درونی را بر می‌انگیزد و با تقویت روحیه‌ی کودک، رفتار مطلوب در او می‌آفریند. از این رو، تشویق بیشتر از تنبیه در اصلاح درون مؤثر می‌افتد. امیرالمومنین علی علیه‌السلام درباره‌ی زیان‌های تنبیه می‌فرماید : « إِنْ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةٌ وَ إِقْبَالًا وَ إِدْبَارًا فَأَتَوْهَا مِنْ قَبْلِ شَهْوَتِهَا وَ إِقْبَالِهَا، فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أُكْرِهَ عَمِيَ » (همان)

" همانا دل‌ها، خواسته‌هایی دارند. دل‌ها راز ناحیه‌ی میل و رغبت آن‌ها به دست آورید. اگر قلب زیر اکراه و اجبار قرار گیرد، کور می‌شود . "

بنابراین تا آن جا که ممکن است باید از روش تشویق و تکریم شخصیت بهره‌گیریم نه تنبیه. بسیاری از آیات قرآن کریم نیز اشاره دارد که خداوند همواره عامل تشویق و پاداش را به کار می‌برد و تنها در صورت سرپیچی بندگان از

فرمان الهی، از تهدید و تنبیه استفاده می کند. خداوند آن جا که وظیفه‌ی پیامبران الهی را بیان می کند، بشیرو مبشر بودن را بر انداز و منذر بودن، مقدم می آورد:

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (فرقان، ۵۶)

«إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (فتح، ۸)

انواع تشویق از نظر اسلام :

تشویق را با توجه به نوع پاداشی که داده می شود ، به چند دسته می توان تقسیم کرد :

الف . شیوه کلامی : یکی از متداول ترین تشویق ها ، تشویق کلامی است . وقتی با گفتن جمله ای یا کلمه ای انسان را تشویق می کنیم در حقیقت با بیان آن جمله ی محبت آمیز و مهربانانه به او پاداش می دهیم . در قرآن کریم نیز از تشویق کلامی استفاده شده است . در ادامه نمونه هایی از تشویق کلامی را آورده ایم . قدردانی پیامبر و هرکسی که در جای او قرار گیرد و زکات را دریافت کند نوعی آرامش روحی و فکری به آنها می بخشد که اگر ظاهرا چیزی را از دست داده اند، بهتر از آن را بدست آورند " در حالی که فرشتگان از هر در وارد می شوند و می گویند سلام و تحیت بر شما باد که صبر پیشه کنید " (رعد، ۲۳-۲۴). صلوات به معنای دعا دانسته شده است و گفته شده این جمله دارای دعاست . برای اینکه منظور درود همیشگی است ، در بعضی از تفاسیر (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۶) اگر چه در این آیه بعضی صلوات را به معنای رحمت دانسته اند ، چنان که دعا چون تکرار می شود مستلزم دوام و همیشگی است . به هر حال این تشویق ها ، الطاف و رحمت ها آنها را نیرو می بخشد که در این راه پر خوف و خطر گرفتار اشتباه و انحراف نشوند و استقامت کنند . آیه ای دیگر که با صراحت بیشتر بر این ادعا ، دلالت می کند این است که : " بر آنان از خدای مهربان {فرشتگان رحمت} سلام و تحیت رساندند. " (یس، ۵۸)

ب . شیوه مالی : پاداش هایی که برای کودکان در نظر گرفته می شود، پر شمار و گوناگون است و ما به تناسب باید یکی از آنها را برای کودک در نظر بگیریم. پاداش ممکن است نقد یا نسیه و مادی یا غیرمادی باشد. در این میان، مهم آن است که کودک نیز به پاداش یاد شده به چشم پاداش بنگرد و او را به ادامه ی راه وادارد. گفتنی است افزون بر کودکان، بسیاری از بزرگسالان نیز با پاداش های مادی بیشتر ترغیب و تشویق می شوند اصولاً انسان به دلیل نیازمندی به مادیات، با برخورداری از پاداش های مالی، نسبت به انجام کار بیشتر دلگرم می شود. به ویژه انسان هایی که از گنجایش روحی بالایی برخوردار نیستند بیشتر به پاداش های مادی گرایش دارند. بر اساس همین فطرت الهی، نه تنها در این دنیا، بلکه در سرای آخرت نیز با پاداش های مادی می کوشند، افراد را به سوی کردار نیک گرایش دهند. در قرآن آمده است:

«وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ... وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ وَ لَحْمٍ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ وَ حُورٍ عِينٌ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (واقع، ۱۰-۱۲ و ۲۰-۲۳)

" پیش گامان پیش گامند، آنان مقربانند. در باغ های پر نعمت بهشت (جای دارند)... میوه هایی از هرگونه که انتخاب کنند و گوشت پرنده از هرگونه که مایل باشند. همسرانی از حورالعین دارند، هم چون مروارید در صدف پنهان. این ها پاداشی است در برابر کرداری که انجام می دادند.

پاداش های مالی و مادی در سیره ی تربیتی معصومین علیهم السلام نیز جایگاه ویژه ای داشته است. برای نمونه، یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام به مکتب رفت و آموزگار به او سوره ی حمد آموخت. امام حسین علیه السلام هزار درهم به آن آموزگار پاداش داد. بعضی به این کار اعتراض کردند حضرت در پاسخ فرمود: { این کار آموزگار شایسته ی

تشویقی بیش از این است } (طوسی، ۱۳۶۴). گفته شده است در زمان ولیعهدی امام رضا علیه السلام، دعبل بن علی و ابراهیم بن عباس - دو تن از شاعران اهل بیت علیه السلام - خدمت امام رضا علیه السلام رسیدند و قصیده‌های خود را خواندند امام رضا علیه السلام نیز بیست هزار درهم از درهم‌هایی که به نام ایشان ضرب شده بود، به آنان عطا فرمود.

ج. شیوه عاطفی - روانی : بسیاری از شیوه‌های تشویقی ممکن است تنها با گفتار یا رفتار، دانش آموز را به رفتار نیک، دل گرم سازد. اعتمادسازی، و محبت ورزیدن از شیوه‌هایی است که کاستی‌های عاطفی و روانی موجود در روحیه نوجوان و جوان را جبران می‌کند و آنان را به مسیر درست رهنمون می‌سازد. قرآن کریم از اینگونه شیوه‌های تشویقی به طور گسترده برای تربیت انسان‌ها بهره برده است که اینک به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره، ۱۹۵)

" همانا خداوند، نیکوکاران را دوست دارد."

۲- «فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (آل عمران، ۷۶)

" همانا خداوند، پرهیزکاران را دوست دارد."

۳- «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْأَصَّابِرِينَ» (آل عمران، ۱۴۶)

" همانا خداوند، بردباران را دوست دارد."

در منابع دیگر هم به این شیوه اشاره شده است. مثلاً در جایی آمده است که یکی از روش‌های تشویق در قبال انجام وظیفه یک فرد آن است که به او بفهمانیم او را دوست داریم. یابو با این روش، فرد به آرامش روانی دست می‌یابد و با برآورده شدن نیازهای عاطفی اش، به سوی خیر و صلاح هدایت می‌شود. (طوسی، ۱۳۶۴)

د. شیوه ارزشی (معنوی): این نوع تشویق اگر به سرای آخرت مربوط باشد، نسبت به نعمت‌های بهشتی و اخروی از ارزش بیشتری برخوردار است و اگر به این دنیا مربوط باشد، تشویق‌های مالی و مادی برتر است. راوی می‌گوید: ابومحمد هشام بن حکم که در آغاز جوانی بود، به جلسه‌ای وارد شد که حضرت صادق علیه السلام و شماری از اصحاب برجسته، کهن سال و با فضل و دانش ایشان برگرد آن حضرت حلقه زده بودند. چون چشم امام جعفر صادق علیه السلام به هشام بن حکم افتاد، از جای برخاست و او را احترام کرد و در بالای مجلس و کنار خود جای داد. این برخورد احترام‌آمیز حضرت، اعتراض بزرگان را برانگیخت، ولی ایشان هم چنان هشام را تشویق و تمجید کرد و فرمود: وی در استدلال با مخالفان موفق بوده است و با این که سن کمی دارد، ولی از اندوخته‌ی علمی بالایی برخوردار است. بنابراین، سزاوار چنین تشویقی است تا سرمشق دیگران باشد. دعبل خزاعی - شاعر مشهور اهل بیت - می‌گوید: روزی وارد مجلس امام رضا علیه السلام شدم. حضرت برای من در مجلس خودش جا باز کرد و مرا در کنار خود نشاند. سپس فرمود: ای دعبل! دوست دارم شعری برایم بخوانی. من قصیده‌ام را خواندم. آن حضرت سخت گریست و سپس سرش را به سوی من بالا آورده و فرمود: ای دعبل! روح القدس این دو بیت را بر زبان تو جاری کرد. (همان)

مراتب تنبیه

نکوهش و توبیخ لفظی: تنبیه، مراتب و مراحل دارد که از نکوهش و توبیخ زبانی شروع می‌شود و در مراحل بعدی بر اساس ضوابطی و در قالبی قانونمند به اقدامات عملی، از جمله برخی گونه‌های تنبیه بدنی، منتهی می‌شود، بر این اساس، آیات گوناگونی که کافران و گنهکاران را سرزنش یا تهدید کرده، یا اقداماتی عملی، مانند قهر کردن با آن‌ها یا بکارگیری برخی تنبیه‌های بدنی درباره آنان را توصیه می‌کنند، به این بحث مربوط‌اند.

شیوه بیان مطالب برای تنبیه مخاطبان در قرآن

در برخی آیات ، از محرک های لفظی و شیوه بیان مطالب برای تنبیه مخاطبان استفاده شده است ؛ به طور مثال : اوایل سوره عبس : در آیات آغازین سوره عبس لحن کلام الهی حاکی از نوعی توبیخ و تنبیه است و بدین وسیله هشدار می دهد که شایسته مؤمنان نیست از کسی به سبب فقر و ظاهر وی روی گردانند؛ چه بسا او انسانی پاک و از مقربان درگاه الهی باشد. (طبرسی، ۱۳۶۰)

ابتدای سوره تحریم : در آیه ی ۱ سوره تحریم خداوند متعالی ، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از سختگیری بیش از اندازه و حرام کردن حلال های الهی بر خود، نکوهش می کند (الرازی، ۱۴۱۳ ق) که از نظر برخی مفسران در حقیقت خطاب به برخی یاران پیامبر و از باب کنایه خطاب به پیامبر بیان شده است. (طباطبایی، ۱۳۶۲)

تهدید و ترساندن: از دیگر محرک های بازدارنده که پس از بشارت و مدارا و به تناسب سماجت و لجاجت مخاطب، در قرآن به کار رفته، تهدید و ترساندن است؛ به طور مثال، خداوند متعالی منافقان بیماردل و شایعه ساز مدینه را تهدید می کند که اگر به نشر شایعه و توطئه ضد رسول او صلی الله علیه و آله و سلم و جامعه نوپای اسلامی ادامه دهند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بر آنان مسلط می کند تا از مدینه بیرونشان کند. افزون بر این، به کشته شدن و به دوری از رحمت الهی نیز تهدید می شوند (طبرسی، ۱۳۶۰)

قهر و رویگردانی: از بهترین مراحل و روش های تنبیه که در قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام به آن توصیه شده و علم روانشناسی، به ویژه در مباحث تربیت فرزند تأکیدی فراوان بر آن می کند، رویگردانی و قهر و در اوضاع سخت تر، طرد و تبعید است (دلشاد، ۱۳۸۰) ؛ به طور مثال، بر اساس آیه ۹۷ طه ، تنبیه سامری که در غیاب حضرت موسی علیه السلام بنی اسرائیل را به گوساله پرستی فرا خواند، این بود که به امر خدا و توصیه حضرت موسی علیه السلام به بنی اسرائیل، کسی با سامری همسخن، همغذا و همنشین نشد (طبرسی، ۱۳۶۰) و او را از قوم و دیار بنی اسرائیل راندند و چنان مطرود گردید که در گمنامی و غربت مرد (الرازی، ۱۴۱۳ ق) در روابط خانوادگی نیز اگر همسری به وظایف زناشویی خویش پایبند نباشد ، ابتدا باید وی را پند و اندرز داد و از پیامدهای دنیوی و اخروی کردارش ترسانند، پس اگر نشوز را و انهداد می توان از او کناره گرفت و از همبستری با وی پرهیز کرد تا به راه آید. (طبرسی، ۱۳۶۰)

تنبیه بدنی: شدیدترین و آخرین روش اعمال محرک بازدارنده از کار ناشایست، تنبیه بدنی است. کتب تفسیری و منابع فقهی شیعه و اهل سنت به بررسی جواز این گونه تنبیه و احکام آن پرداخته و غالباً به آیات ۴۴ ص ۳۴ نساء استناد جسته اند. (همان)

آیه ۴۴ ص «و خُذْ بِدِكَ ضِعْفًا فَاضْرِبْ بِهِ ... به تنبیه جسمی، تصریح دارد. درباره این آیه داستان هایی گفته شده است؛ اما بیشتر مفسران آن را به زمانی مربوط دانسته اند که حضرت ایوب علیه السلام در آزمونی الهی سخت بیمار بود و در آن حال، ابلیس به لباس طبیب بر همسرش وارد شد و شرط معالجه وی را این دانست که ایوب علیه السلام شفای خود را از آن طبیب بداند. همسر ایوب علیه السلام نیز آن را پذیرفت. ایوب علیه السلام که از شنیدن این ماجرا سخت خشمگین شده بود .

سوگند یاد کرد که اگر بهبود یابد همسرش را با زدن ۱۰۰ ضربه تازیانه ، تنبیه و تادیب کند ؛ اما پس از بهبودی ، از جانب خداوند اجازه یافت که به جای زدن ۱۰۰ ضربه فقط با یک ضربه به وسیله دسته ای علف، به عهد خود وفا کرده، همسرش را تنبیه کند. (طوسی، ۱۳۸۶) اجرای احکام قرآن ، حدود و قصاص را می توان نوعی مجازات و تنبیه جسمی مجرمان دانست که سبب عبرت و پندگیری دیگران نیز هست .

نتیجه گیری :

با توجه به بررسی های صورت گرفته در این مقاله ، می توان نتایج بدست آمده و پاسخ های تحقیق را در متن زیر خلاصه کرد. تشویق و تنبیه دو روش مهم تربیتی بوده که مورد تاکید عقل است و دین مقدس اسلام و ائمه (علیهم السلام) نیز به آن عنایت ویژه ای داشته اند ، چنانچه در قرآن و سیره ی ائمه (علیهم السلام) ، نمونه های فراوانی به چشم می خورد ، که در طول مقاله به نمونه هایی از آنها اشاره شد . در تعلیم و تربیت ، امر تشویق و تنبیه یا پاداش و کیفر به عنوان یکی از عوامل و محرک های مهم تلقی می شود . با بکارگیری صحیح این دو روش می توان مسیر تربیت دانش آموز را هموار کرد . در سایه ی تشویق می توان دانش آموز را به انجام کارهای مطلوب واداشت و اراده و عزم او را تقویت کرد . شیوه های کلامی ، مالی ، عاطفی - روانی ، ارزشی (معنوی) ، شیوه هایی هستند که با استفاده از آنها می توان افراد را تشویق کرد . با تنبیه مناسب نیز می توان دانش آموز را از لغزش ها ، انحرافات ، و گناهان باز داشت . نکته ی مهم این است که بخاطر ویژگی ها و حالات پیچیده ی روح انسان ، باید در تشویق و تنبیه ، اصول و ضوابط مربوطه را رعایت کرد چرا که در غیر اینصورت ، مشکلات و پیامدهای منفی برای شخص و حتی جامعه به بار می آید . به عنوان نمونه می توان به تعدادی از این اصول مهم اشاره کرد : پرهیز از تبعیض ، متناسب بودن تشویق و تنبیه با کار شخص ، هماهنگی تشویق و تنبیه با معیار های دینی ، رعایت مراتب و ... توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که اولویت با تشویق است و تشویق بر تنبیه تقدم دارد و در واقع تنبیه یک امر عرضی و به عنوان آخرین راه حل است . رهنمود های قرآن و سیره ی ائمه ی اطهار (ع) ، بهترین الگو و مسیر برای این امر مهم است .

مراجع

۱. ابن منظور ، لسان العرب، (۱۴۰۸ ق). بیروت ، دار احیاء التراث العربی
۲. الرازی ، الفخر، (۱۴۱۳ ق). التفسیر الکبیر ، قم: دفتر تبلیغات
۳. الطوسی ، التبیان ، (م. ۴۶۰ ق). به کوشش احمد حبیب العاملی ، بیروت : دار احیاء التراث العربی
۴. الموسوی ، ابوالحسن محمد ، [سید رضی] ، (۱۳۸۵). نهج البلاغه ، چاپ یازدهم ، تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۵. امینی ، ابراهیم ، (۱۳۷۸). آیین تربیت ، چاپ سوم ، قم ، نشر اسلامی
۶. باباپور ، محمد مهدی ، (۱۳۷۹). درآمدی بر سیاست و حکومت در نهج البلاغه ، چاپ اول ، قم ، نشر تهذیب
۷. بهشتی ، محمد و همکاران ، (۱۳۷۷). آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم د تربیت و مبانی آن ، قم : دفتر همکاری حوزه و دانشگاه
۸. دشتی ، محمد ، (۱۳۷۹). امام علی (علیه السلام) و علم و هنر ، قم : موسسه ی فرهنگی تحقیقاتی امیر المومنین (علیه السلام)
۹. دلشاد تهرانی ، مصطفی ، (۱۳۸۰). سیری در تربیت اسلامی ، چاپ اول ، تهران : نشر ذکر
۱۰. دولتی ، غلامرضا ، ۱۳۷ ، بررسی تشویق ازدیدگاه اسلام ، موسسه ی آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) ، کارشناسی ارشد
۱۱. سیف ، علی اکبر ، (۱۳۹۱). روانشناسی تربیتی ، چاپ دوم ، تهران : پیام نور
۱۲. طباطبایی ، سید محمد حسین ، (۱۳۶۲). المیزان ، ترجمه ی سید محمد باقر موسوی همدانی ، تهران : دفتر انتشارات اسلامی

۱۳. طبرسی ابوعلی الفضل بن الحسن، (۱۳۶۰). مجمع البیان ، تهران : فراهانی
۱۴. طوسی ، اسد الله ، (۱۳۸۶). دیدگاه اسلام نسبت به تشویق ، چاپ اول ، تهران : طلوع قلم
۱۵. طوسی ، خواجه نصیر الدین، (۱۳۶۴). اخلاق ناصری ، چاپ سوم ، تهران : خوارزمی
۱۶. فارابی ، ابونصر ، (۱۳۷۱). التنبيه على سبيل السعادة ، شرح جعفر آل یاسین ، تهران : حکمت
۱۷. فتحعلی خانی، محمد و همکاران، (۱۳۷۷). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، قم : دفتر همکاری حوزه و دانشگاه
۱۸. قائمی ، علی، (۱۳۷۷). سلسله مقالات هدایت نوجوان به سوی نماز
۱۹. قرآن کریم ، برگردان ، ناصر مکارم شیرازی
۲۰. معادیخواه ، عبدالمجید، (۱۳۷۲). فرهنگ آفتاب ، چاپ اول ، تهران : ذره
۲۱. معین ، محمد ، فرهنگ معین
۲۲. مکارم شیرازی ، ناصر ، و همکاران ، (۱۳۵۳-۱۳۶۶). تفسیر نمونه ، تهران : دارالکتب اسلامیه
۲۳. نادری، محمد مهدی، (۱۳۷۷). تنبیه در مدیریت اسلامی، مجله معرفت، شماره ۲۷